287180 ـ معنای اول بودن در این سخن پروردگار متعال که: «اولین کس که مسلمان شد» و «اولین مومنان»

سوال

آیا در این قرآن بین این دو آیه تناقض وجود دارد؟ آنجا که پروردگار متعال می‌فرماید:

قُلْ أَغَيْرَ اللّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلاَ يُطْعَمُ قُلْ إِنِّيَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

انعام: ۱۴

(بگو آیا غیر الله پدیده آورندهٔ آسمان‌ها و زمین ولی‌ای برگیرم و اوست که خوراک می‌دهد و خوراک داده نمی‌شود؟ بگو من مامورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است و [به من امر شده که] هرگز از مشرکان نباش)

و آنجا که می‌فرماید:

وَلَمَّا جَاء مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ موسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

اعراف: ۱۴۳

(و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت عرض کرد پروردگارا خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم. فرمود: مرا نخواهی دید اما به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت مرا خواهی دید. پس چون پروردگارش بر کوه جلوه نمود آن را ریز ریز ساخت و موسی بیهوش بر زمین افتاد و چون به خود آمد گفت: تو منزهی، به درگاهت توبه کردم و من نخستین مومنانم).

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

در قرآن تناقضی وجود ندارد اما امکان دارد تناقضی در ذهن خواننده تصور شود هرچند با جستجو و پرسش از آگاهان این اشکال ان شاءالله برطرف خواهد شد.

الله تعالی می‌فرماید:

أَفَلاَ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ اخْتِلاَفًا كَثِيرًا

نساء: ۸۲

(آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر الله بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند).

ثانیا:

منظور از اول بودن در این دو آیهٔ کریمه، اول بودن نسبی است، به معنای سبقت جستن در ایمان و شاید منظور آن اول بودن در زمان خودِ شخص و در میان امتِ او یا شهر او و مانند آن باشد.

بدون شک هر پیامبری از امت خود در ایمان پیشی گرفته است، مثلا موسی ـ علیه السلام ـ از قومش زودتر اسلام آورده و محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ در اسلام بر امتش پیشی گرفته و برای همین درست است که دربارهٔ خود بگویند که نخستین مسلمان هستند، یا دربارهٔ آنان چنین گفته شود.

و از این آیهٔ اول بودن مطلق دانسته نمی‌شود و چنین چیزی واضح است و امکان ندارد کسی در چنین اشتباهی واقع شود و تعارضی وجود ندارد. زیرا به اضطرار دانسته می‌شود که پیش از محمد و موسی علیهما صلوات الله وسلامه پیامبران دیگری بوده‌اند که مسلمان و مومن بوده‌اند از جمله آدم و نوح و ابراهیم و دیگر انبیای الهی که درود و سلام خداوند بر همهٔ آنان باد و این در کتاب خداوند به وضوح آمده است.

طبری دربارهٔ آیهٔ نخست می‌گوید: و همچنین به آنها بگو که پروردگارم به من امر نموده تا نخستین مسلمان باشم. می‌فرماید: نخستین کسی که به بندگی سر نهاد و در برابر امر و نهی او فروتنی کرد و گردن نهاد، از اهل زمانه‌ام (جامع البیان: ۹/ ۱۷۷).

طبری همچنین دربارهٔ آیهٔ مربوط به موسی ـ علیه السلام ـ می‌گوید: و من اولین مومنان هستم [اعراف: ۱۴۳] یعنی از مومنان به تو از قوم خودم؛ که هیچ‌کس در دنیا تو را نبیند مگر آنکه هلاک شود» (تفسیر طبری: ۱/ ۴۳۲).

علما نیز در تفسیر این دو آیه سخن گفته‌اند و تقریر نموده‌اند که این نخست بودن بر چه وجهی است و گفته‌اند که منظور اول بودن در اهل زمان است چنانکه پیش‌تر بیان شد، یا اول بودن به آن اسلام خاص که خود آن پیامبر آورده است و ایمان به شریعت خاص آن پیامبر که خداوند به او وحی کرده است و منظور از اول بودن اینجا پنهان نیست زیرا او نخستین کسی

است که آن شریعت را از پروردگارش به شکل وحی دریافت کرده و اولین کسی است که آن را تصدیق نموده و پیرو آن شده است.

غرناطی می‌گوید: هرگاه چنین تقریر شد، دانسته می‌شود که این سخن که امر شده‌ام تا نخستین مسلمانان باشم امری خاص به اوست و دیگری در آن شریک نیست، مانند این سخن پروردگار که بگو من امر شده‌ام تا نخستین کسی باشم که اسلام می‌آورد [انعام: ۱۴] که معنایش نمایانگر همین است بلکه نمی‌توان برخلاف آن گفت؛ چرا که حکم از جمله امر و نهی اگر از سوی ملائکه نازل شود و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آن را برگیرد و به آن ایمان آورد و تسلیم پروردگارش شود، پس از او کسانی که نزد وی حاضر شوند و وحی را به آنان بگوید از وی وحی را خواهند گرفت و کسی راهی ندارد جز آنکه این حکم را از او ـ علیه السلام ـ فرا گیرد، پس از آنکه او از جبرئیل فرایش گرفته است.

بنابراین ایشان ـ علیه السلام ـ نخستین مومن و نخستین مسلمان است و این نخستین بودن برای کسی جز او ممکن نیست و کسی چنین نسبتی را نمی‌تواند برگیرد» (ملاك التأويل: ۲/ ۴۲۵).

ابن عاشور ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «معنای نخستین کسی که اسلام آورد یعنی آنکه او نخستین کسی است که متصف به اسلامی می‌شود که خداوند او را برایش مبعوث کرده است، زیرا این اسلام خاصی است که قرآن با خود آورده و افزون بر چیزی است که پیامبران گذشته به آن ایمان آورده‌اند از جمله وضوح بیان و سماحت [احکام] آن» (التحرير والتنوير: ۷/ ۱۵۹).

مراجعه نمایید به تفسیر زمخشری (۲/ ۱۰) و تفسیر رازی (۱۲/ ۴۹۲).

والله اعلم